نقدی بر بیان علامه تهرانی

(00:07)

در مراسلات فرمودند خسوف و کسوف با خروج قمر از تحت‌الشعاع تفاوتی ندارد. حاصل فرمایش همین بود. در جلسه قبل اصل عرض من مختصر بیان شد ولی حتماً به توضیح بیشتری نیاز دارد. ببینید از نظر بحث فقهی قیاس کردن مانحن فیه به خسوف و کسوف، تمام نیست. چون یک تفاوت ظریف فنی و کلاسیکی دارد. ما که در کلاس فقه مشغول بحث هستیم حتماً باید اینها را از هم جدا کنیم. یک وقتی می‌بینیم جداکردنی است که اثر فقهی و علمی بر آن مترتب نیست، این هیچی. اما یک وقتی است که یک دقیقه‌ای است که وقتی آن‌ها را جدا کنیم آثاری بر آن بار می‌شود، اینجا نمی‌توانیم از این تفاوت غض نظر کنیم. ایشان فرمودند:

> **و المحصّل: أنّه إذا قطع النظر عن محاذاة الأرض و نواحیها المختلفة و ملاحظة اختلاف مناظر أهلها بالنسبة إلی القمر فکما أنّه لا یتحقّق خروجٌ عن تحت الشعاع، لا یتحقق کسوف أیضا[1]**

هیچ تفاوتی بین خروج از تحت‌الشعاع با کسوف. بعد فرمودند خسوف ظاهره سماویه است، در ادامه از این هم عدول کردند.

> **فإن قلت: سلّمنا ولکنّ الدلیل الشرعی قائمٌ بأنّ فی کلّ ناحیةٍ رئی الکسوف یحکم فیها بأحکام دون ناحیةٍ أُخری.**
>
> **قلنا: هکذا الأمر بالنسبة إلی طلوع القمر؛ ففی کلّ ناحیةٍ رئی خروجه عن تحت الشعاع حکم بدخول الشهر القادم، دون ناحیةٍ لم یر الخروج فیها.[2]**

«فإن قلت: سلّمنا ولکنّ الدلیل الشرعی...»: در کسوف دلیل داریم.

«قلنا: هکذا الأمر بالنسبة إلی طلوع القمر»: در طلوع قمر هم همینطور است. **«ففی کلّ ناحیةٍ رئی خروجه عن تحت الشعاع حکم بدخول الشهر القادم، دون ناحیةٍ لم یر الخروج فیها»**. این اصل حرف ایشان بود.

اساس عرض من این بود: چیزی که در خسوف و کسوف داریم این است که خود یک حادثه بیرونی موضوع حکم است. وقتی این حادثه رخ داد، این کار را بکن. اما در مانحن فیه خود اهلال هلال، موضوع حکم شرعی نیست. «اذا رایت الهلال فصم» نه یعنی هلال موضوع وجوب صوم است، بلکه یعنی «اذا رایت الهلال دخل الشهر؛ اذا دخل الشهر فصم الشهر». «فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهرَ فَلْيَصُمْهُ»[3]. بنابراین اهلال هلال طریق می‌شود برای دخول شهر. تفاوت شهر با اهلال هلال چیست؟ اهلال هلال

یک حادثه است؛ یک لحظه‌ی زمانی است. امّا شهر سی روز ادامه دارد، یک قطعه زمانی مفصل سی روزه است که یک دور ِکامل قمر به دور زمین را شامل می‌شود. اهلال هلال امارهٔ این است؛ امارهٔ دخول این شهر است؛ امارهٔ این است که این قطعه زمانی بیست و نه-سی روزه آغاز شده است.

بنابراین آن چه که موضوع احکام شرعی برای صوم است، شهر است؛ نه اهلال هلال. مانعی ندارد مثل خسوف و کسوف، اهلال هلال هم موضوع حکم باشد؛ مثل دعا عند رویة الهلال. ولی صحبت ما که سر وجوب صوم و دخول شهر با ملاحظه شب و روز ِماه است، تفاوت می‌کند. اهلال هلال دارد کل ماه را به ما نشان می‌دهد. ذو الطریق ِما کل ماه است به این عنوان که الآن داخل شده است.

خب می‌خواهیم از این نتیجه بگیریم که خود خسوف و کسوف موضوع حکم است؛ اگر خسوف شد این کار را بکن. اما خروج قمر از تحت‌الشعاع یعنی شهر داخل شده است. اگر می‌گویند شهر داخل شد، اینجا است که باید بحث کنیم شهر نوعی است یا نه. اگر نوعی است، می‌گویند وقتی هلال شد یک فردی از این شهر محقق شده است. فردا شب فرد دیگری از شهر مبارک محقق می‌شود. اما اگر بگوییم وقتی اهلال هلال شد، شهر به‌عنوان یک شخص در یک سال که یک ماه مبارک دارد، داخل می‌شود. اگر به این صورت بگوییم دیگر نمی‌توان گفت کسوف با آن یکی است. اهلال هلال ظاهره سمواة است که شهر با آن داخل می‌شود. وقتی شهر داخل شد بقاع در دخول شهر شخصی می‌تواند دخالت کند یا نه؟! لذا این با نوعیت تفاوت می‌کند.

---

[1] رسالة حول رویة الهلال

[2] همان

[3] البقره ۱۸۵

بازبینی #2
ایجاد شده 15 ژانویه 2026 15:10:03 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 ژانویه 2026 15:28:05 توسط ... .